

### چکیده

در عصر حاضر سلامت روانی افراد جامعه بشری به شدت در معرض خطر قرار گرفته است. نتایج آماری سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سال‌های اخیر حاکی از آن است که بیماری‌های روانی به ویژه افسردگی در حال گسترش روزافزون است که خود موجب از کار افتادگی زودرس در افراد مختلف می‌شود. خودشکوفایی یکی از مؤلفه‌های سلامت روانی است که مورد توجه اکثر روانشناسان از جمله «مزلو» و «آپورت» و همچنین پژوهشگران روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر که از نوع زمینه‌یابی است، به دنبال بررسی رابطه بین سطح خودشکوفایی با برخی ویژگی‌هایی جمعیت‌شناختی از قبیل: سن، جنس، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات دانشجویان دانشگاه پیام‌نور در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده است.

این تحقیق روی ۴۰۰ نفر دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد دختر و پسر که با توجه به جدول مورگان به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند انجام شده است. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه‌ای که شامل دو بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و آزمون خودشکوفایی است، توسط پژوهشگر ترجمه و اجرا گردیده است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و  $t$  استیوودنت در سطح معنی‌داری  $\alpha \leq 0/05$  مورد آزمون قرار گرفته است.

نتایج حاصل از این پژوهش در سطح معنی‌داری  $\alpha \leq 0/05$  نشان داده است که :

۱. بین میزان خودشکوفایی دانشجویان و سن آنها رابطه وجود ندارد.
۲. تفاوت معنی‌داری بین خودشکوفایی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد وجود ندارد.
۳. تفاوت معنی‌داری بین خودشکوفایی دختران و پسران وجود ندارد.
۴. بین میزان خودشکوفایی دانشجویان مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.